

سروان یان مامور انتظامات جرحل و جرحه آن برداشت کرده بود

۱۰ - در سال ۲۹ شهردار مهندس ذراغ الفتحصیل های وظیفه د. انشکد مفسر و بکاره مسلح گمرکی و ژاندارمری مهندسی کرده بود

و مبلغ ۸۵۰۰۰ ریال برخلاف مقررات به عنوان هزینه سفر صرف شده بود

۱۱ - پایانده مفسر وظیفه دیگر نیز برخلاف مقررات هزینه سفر فوق العاده داد شده بود

۱۲ - در مهرماه سال ۲۹ معلوم ریال بعد انشکد مفسری برای فوق العاده عووض سفر تاریخ التحصیل های د. انشکد

مفسری بود اختتامی بود که ۵۰۰۰۰ ریال اضافه آن تا اول سال ۳۰ در نزد آنسره عمل مانده بود که پس از گذشت

استاد معمول مربوط به انشکد مفسری وجه نامبرک نیز وصول کرده بود

۱۳ - در سال ۳۰ ساختمانهای لشکرشیراز را به تصدیق میگذرانند و اولی بیش از ۲۰ درصد اضافه از برآورد اداره

صندت می رفتند و چون ابلغ حاصل شد کفایتی در کار است مانع عقد قرارداد کرده بود دستور تجدید مناقصه

داد شد - در مناقصه دوم که بعد از یکری شرکت نمود بود در حد اقل پیشنهاد در حدود ۱۵ درصد کمتر از برآورد

دار شدند سو به حد است آمد که با مناقصه مناقصه اولی تفاوت عمل به ۳۵ درصد بالغ کرده بود

۱۴ - پس از آنکه در ذمه های ذرائی ارتش مشورت شدند ماند که استاده معمول را با زورنی ارتش با نهایت تسهیل و تسهیل امیکند

سر هتکخواص گزارت خرید شد و صورتیکه اینجا بجا از مجازات تصادف نمایند حاضر هم اسماء معمول را خودم بیرون

آوردن کارانه دوم - اول ۱۰۰ ریالی این بر سر کسمل و ۲۰۰ ریالی را حساب خود مولکله جناب و سوابق را تحت نظارت مقامات

قضائی که وارد در امور مالی نیسیا شده قرارداد مویخصی پرونده ها را در زمین و بر هم کنند که هیچ وجه کسفا نشوند بجز بران عمل

خاتمانه آنها پس ببرند

این نقشه را بسیار با هراسهای نمودند و تصدیق نامه در مورد عقوباتشان گذرانند که سر هتکخواص نیز با چارشده که در

مقابل فعالیت ادارهای زورنی شخصاً نسبت به از اسناد معمول را خارج کرد و اختیار از آرد و در رسی قرارداد شد که

بالغ بر چندین میلیون میباشد ولی جهت پیروجهای آرتش و وجه شخصی مقصودند و تحت تعلیق و آمدند و در مصلح

وصول شد و اینها را با توجه ناممل است و محققان نیز بر سر مرموز میتوان این بود

۱۵ - پس از برکنار شدن سر هتکخواص از ریاست ذرائی آماد که مقرر گردید که بواسطه جغنی خود رأی دیگری معمول نماید

لذا ضرورت پیدا نمود که بصورت تحویل و تحویل کند و سال ۱۳۲۸ بین سر هتکخواص و سر هتکخواص تنظیم کرده بود

مراجعه کرد و نامعلم شود چه مبلغ اسناد پیشبرد اختصار هتکخواص را با سر هتکخواص معمول کرده است

طبق گزارش فوق جمیع اسناد باقی مانده پیشبرد اجابت یا بالغ بر ۴ میلیون تومان بیشه که صورت

ریزان ضمیمه صورت

۲

جلسه معمول و تحول شد هر دو در ۶ نسخه تنظیم شد. ما سه کپی نسخه آن نیز حساب داریم. از این نسخه‌ها ...  
۱۵۰۰ آن نیز متصدیان هر دو بود که تمام آنها را از این برده‌اند و حقیقتاً این هم چنان بود و تاکنون که نزدیک ۵۰ سال ...  
است نتیجه حاصل نگردید.

بطور قطع مبلغ زیادی از این ۴ میلیون تومان صدقه هباتیانی باشد. کاران حیفا معمول شد و با اطلاعش بدست  
آمد بود لایق و توانمند موجود تحول بعمل بفرایند بود است  
در ارتش برای هر هفتاد کپی بود. چند نسخه سند تهیه می‌کردند که به نسخه آن بود و آن محاسبان متفرستاد شد و موفقیه  
نسخه‌ها در ارتش آماند گاه‌بانی میماند.  
بسیار با بدکاران تپانی میشد. اسناد آنها را با دخل نمود و نسخه‌های در هر یک اسناد دیگری را در دفتر عمل  
میشود. ۱۰۰

۱- در سال ۲۶ برای توقیف اموال هم‌امورین ارتش در چهارجه مبلغ ۵۱۳۶۵۸ ریال خزانه‌داری کل از اعتبارات ارتش  
گسرنمود و واریزهای مورد ضرورت را از اختیار ارتش گرفتند و هر مخصوصاً در خصوص تذکرات آن حکم‌چون ارتش  
ریالی آن از حساب ارتش برداشت شد و در سال آن خود داری گرفتند. ولی در ارتش آماند گاه‌بانی  
این دستورات وجود بین فقره‌های مبلغ بالا را به خزانه‌داری کل صادر کردند که از حساب ارتش برداشت  
ولی پس از آنکه اینجانب شروع به بررسی در ارتش آماند گاه‌نمودم تمام ارتش آماند گاه‌سرخ‌ها به خزانه‌داری کل برگرداندند  
و این مبلغ اضافی بفتح ارتش صادر و به حساب آمد.

۲- موفقی که با اعتبارات هم‌امورین ارتش در اطلاع پیدا نمودم که مبلغ زیادی از حساب‌های ارتش از سال ۱۳۰۱ تا سال  
۱۳۲۰ معوق ماند که به وزارت تپانی تحول نشد که هیچ یک از مقامات عالی‌رتبه ارتش نیز اطلاع از وضعیت آن در  
پارسیدند که بعمل آمد معلوم شد که از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۲۴ مبلغ ۱۶۶ میلیون تومان و از سال ۱۳۲۵ تا آخر  
سال ۱۳۲۶ مبلغ ۵۷۶ میلیون تومان که جمعاً در حدود ۷۴۲ میلیون تومان میشود حساب ارتش معوق ماند. است  
و حتی در سال ۲۶ حساب وزارت تپانی در دست مکه‌سازان در آن موقع که از مکه‌سازان بود و در ارتش  
تحت فشار قرار گرفتند که مبلغ قابل ملاحظه از آن در ریخته‌خوری کردند.

۳- موضوعی مهم دیگر که مورد توجه قرار گرفت در دست مکه‌سازان و سایرین بود که حساب‌های ارتش بود که پس از جمع‌آوری در دست  
شاه شد و بعد که در حدود ۴ میلیون تومان پول ارتش از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۲۰ در نزد عدل از افسران از مقام امپوری  
تاسری باقی ماند که به حساب آن افسران واریز شد.

و حتی تا امروز هم کاران افسران و افسران هم‌امورین بود که در دست مکه‌سازان بود و در دست مکه‌سازان  
باقی ماند که در دست مکه‌سازان بود که به حساب آن افسران و افسران هم‌امورین بود و در دست مکه‌سازان  
تقدیر و قبول کردند. پرونده‌های مربوطه را در ازمایش‌های ارتش شاهدان بی‌جهت و کوشش‌های توقیف اموال ...

ایضا ازین طریق اخذ شده است بر مبنای...

۱۰- در بودجه سال ۱۳۳۰ ارت. مبلغ هجدهم برای عمران کوی عباس آباد منظور شده بود. در زمستان سال ۱۳۳۰ لغت اصلاح شده که به تکلیف کارخان بود آری و ذخایر ریزی استوار ساختمان پل پشتی بطول سی متر و عرض سه متر و ده شد که همین تپه های عباس آباد پل نامیزد و با سازند

پار توپریوس معالج شد که اولاً موضوع به مناقصه گذارد شد و ثانیا در فصل زمستان کارهای پیشی برخلاف اصول فنی است بعد از ده روز و اینکه برای کوی عباس آباد آب که در رجه اول ضرورت است تهیه نشد و ضرورتی است که پل آنهم در نقطه که همین وجه ضرورت است اول ساخته شود و در حدود صد متر از توپان خن شود برقرار معادل اگر هم ضرورت داشته باشد با ایستای مطابق مقررات مناقصه بگذارد میشود و در توضیح جای که نباید به عرضی شرح داده نشد برنیشود. در وقت که مستر کافی است - به این نشانی است که در حد بلق ارتش بود و توجیهی حقوق نگردند و باعث شد که در نزد و بالاخره در تصمیم گرفتند که عرض آن را در و از حد ضرورتی کنند که نماینده های آن به عرضی متوجه شد.

۱۱- قرار دادی برای نقشه برداری خیابان عباس آباد در سال ۱۳۳۰ منعقد نمود میوند که برای نقشه برداری خیابان عباس آباد کیلومترهای مبلغ برای آن در یک پل و متوجه است و در توضیح - نقشه برداری خیابان است. اینکه جعفر آنها که گزارش مبروی پیشتر از در مراجعت به شرطی تعیین خواهند شد.

۱۲- در بودجه سال جاری ۱۳۳۰ مبلغ صد و بیست و نه هزار ریال در اختیار هیئت مدیره آنجا که بیشتر از سی متراست خواهد بود

۱۳- در سال ۱۳۳۰ اصلاح حاصل شد که شرکت سیراز در سال ۱۳۳۰ قرار دادی برای خرید ۱۶۰۰۰ کیلوگرم گوشت از قرار کیلویی ۲۲/۸ ریال به بعد الخالق نامی منعقد نمود. برای اینکه از این گوشت در سال ۱۳۳۰ میزان بیست است از اداره شهرمانی شیراز بود. پیشوند که در سال ۱۳۳۰ گوشت مورد احتیاج خود را در خریداری نمود باید - جواب میدهند که تفاوت فصل از قرار کیلویی ۱۵/۴ ریال الی ۱۸ ریال خریداری کرد. بهمین قیمت فعلا در توج شهر از آن بود در نتیجه متاسفانه که جعل آمد. در ضمن که لشکر در زمانه اول سال کیلویی در میان بود و دقیقه اول ۴/۸۵ ریال الی ۸/۴ ریال در کیلویی گران تر از خرید شهر از گوشت را خریداری نمود و مبلغ ۲۶۷۵۸۵۱ ریال در این باره بود.

مو بود که بیشتر خرید می نمود این است که علاوه بر میزان مورد قرار داد که ۱۶۰۰۰ کیلو بود. معادل ۸۷۴۲۴ کیلو نیز است. البته گوشتی که در آن سال بود و از قرار کیلویی ۲۲/۸ ریال و در آن زمان که در زمان تاسیس شهر از آن سال گوشت را کیلویی ۱۶/۵ ریال خریداری نمود. موازی دیگری که بسیار مهم است و توجی که آن شرکت بود جواب میدهد که اینها در میان جواب میدهد. که شرکت گوشت شینت باید استعریفه برای صحت و تم موازی همین قرار داد است. استعلامی که کردید که در آن سال شرکتی است. استعلامی که در وقت قرار داد شد و در توضیح دادند. اما که آن قرار داد را در زمانه اول سال ۱۳۳۰ در میان هیئت مدیره که در آنجا رسید. به ارجاعه میروند. معادل

تأثیر داشته. روشن میشود

۱۸ آبان سال ۱۳۲۸ اختلاس و رشکراجهایان بعمل آمد مأموریت کشف امر را به ریج تمهید محول گردید. پس از روشن بعمل رسیدگی و تفتیر مسئولین امر مشخصه دادند که یکی از متخلفین سرسختاً الملک در هشت معروض بود. بموجب مد نظر موجود شناسان در آنوقت از نامشروع جهت احوال تحقیق و حقیق در دستور آزاد شدن نامبرود مراد که در روز استماع بود شکر افایان جانبی در آن وقت در اولی نتیجه تریب تریبی تریبی به استوارات خلافت نامبرود اندام - پرونده عامر تشکیل و تسلیم دادگاه - کردید در دادگاه بدو در هر یک از متهمین به یک ساق و دستبند بود مورد اختلاس که مستجاب از دست و پنجه هزار تومان محکوم گردیدند. در دادگاه بدو نیز به نیت مقامات عالی رتبه اکثر محکومیت شش ماه بود

پس از قطع شدن حکم بدو در استان ارتش ششم و پس از آنکه آمدند متحکومیت غیر از سرسختاً الملک در دست رئیس محکومین سپید خود را برداخته و موجود شدند و سرسختاً الملک در زندان ماند سپس به راه برگشتار نمودند و نامبرود راهم رخصت کردید و بدو در استان را وصول کردند و از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۳۰ که اینجانب تیرباران است از راه بازرسی منصوب شدم مسئولین امر روی نظرهای خصوصی اقدام برای وصول مال دولت نکردند

در سال ۱۳۳۰ که برای رسیدگی با اختلالات جاسوسه بین فرماندهان لشکر و شورونین بخشاری به سفیدان مأمور شدم اطلاع پیدا نمودم که بعضی به سرسختاً الملک وصول شدند که در زندان بودند و در حد و حد تن کشیدم و وجود وصول گردیدم

در روز آخر سال ۱۳۳۰ بنگاه در ارتش سپه محکم مانده برای خرید در روز ششم شنباد و پس از شش ماهات لازمه و موافقت نامبرود و از نمودن شش ماه است حد اقل پرشهادت رسید که در حد و حد بود صد صد پنجاه هزار تومان بود. موصییم بخیرید آن گرفته میشود

اینجانب متوجه شدم که مولود روزنامه رسمی کشور اعلام مناقصه دادند که به مصالح و یکصد بیاید داد شود فقط نوشته اند که برای اطلاع از میزان بودجه که باید داد میشود نظر بنگاه در ارتش مراجع شود چون به وصل سوختن آورده مخالفت با انجام معامله نمود بود دستور شد بد مناقصه داد شد و مناقصه تجدید کردید

که در نتیجه اقدام اینجانب هم معامله ۱۵۰ هزار تومان در حدود ۴۰ هزار تومان روز ششم شد - بعد از وقایع شهر ری و اختلال بین ارتش و کشتواتجی ساختنهای گوناگون استراتژی و سلطنت آید اینجانب میشود بر آن عمل اختلال با موافقت ارتش که مگر حکم مرض الطریقین قرار میگیرد. پس از رسیدگی نظر میدادند که معاف نامبرود نامبرود با مستقیم در حدود ۱۵۰ هزار تومان بار بار ببرد و در هر دو توافق موجود در ساختنهای امر واقع نمایند و بیفتن نیز در حدود ۴۰ هزار تومان با به معکوبت از ارتش میگرد -

پرونده امر از سال ۱۳۳۰ تا وقتی که اینجانب تیرباران است از راه بازرسی (در سال ۱۳۳۰) منصوب شدم بلا اقدام میماند - حشر به نامبرود این پرونده در دادگاه میشود و نه فقط نوشته ساختنهای از درک مقامات امر و تفتیر کرد و در فکر و تالیف نامبرود است قسمی از نوشته ساختنهای را نیز خود ارتش بخیر خود مرتفع میماند و موافقت با این معنی بدست - نامبرود - پرش - میماند

۶

پس از انحصار بند بریاست از ازمایش ارسن و طلاخ از این عمل خائنه تخفیف نمود موضوع را تحت رسیدگی قرار دادیم و پس از بررسی معلوم شد که طلب ارسن و شرکت نامبرد رحد و چهارصد هزار تومان نبود بلکه رحد و هفتصد هزار تومان است و شرکت هم برچیدند و نزدیک است موضوع مشمول مرور زمان شود امراتی را قوی بوزارتدفاع علی کنسول ارسن نمودیم

موضوعی که پیشتر قابل توجه بود این است که رصورت وجود امراتی شد شرکت نامبرین را متحد با بیونت از قلم انداختند و به کامداکس صورت داد بود و خود من شرکت نکردم

۴۴- در چند ماه قبل اطلاع حاصل شد که بابت تسویه حسابی شخصی مقداری وسایلی که از بازارهای آذربایجان و سایر بلاد آنجا در پهنشاه سرقت شده بود موقع خان نبودن نزد رجبشاه مامورین دزنی گرفته اند و از طرف آذربایجان رسد موضوع در تبا کردید

چون پرونده نامرد در این زمان تشکیل گردید و بگزاران ارمی از رجا نتوانست اطلاع از چگونگی امر پیدا کند

پلانامه دستور آمد که محتویات سابقه های آن خایری که در پهنشاه میباشند زیر نظر گرفتند تا ترس بخوابد از سر کردیم

پس از رسیدگی بتمسبی نزد رجبشاه شد که کتبی قلم داشتیم و از این احوال آذربایجان خبر میدادند و موضوع در تبا

زیادتی از قضایای جزئی را در تبا بداند مثلا یک قطعه چرم گفته اند آن در تبا ۳۴۰ ثبت شده است با قلم مرکب - بگریه رقم ۱۳۲۰ شد بل نمرد هوشش از رجا قطع آنرا زد بداند

۴۵- در سال ۱۳۲۰ اطلاع حاصل شد که در آذربایجان کرکاز بی نرین هاشمی وجود دارد - بجز از رسیدگی در تبا

آذربایجان که سروران باغستانی رئیس آذربایجان مربوطه در رحد و چهارصد و پنجاه هزار تومان بدشکار است که مستحق

از آنها است و غیر قابل قبول است و مستحق بود است بخورد نامبرد میباشند که برخلاف اصول عالی است - پس از تشکیل

پرونده با حضور نماینده آذربایجان آذربایجان گسیبوند و ازمایش تشکیل گردید و چون بنظر من آمد که سروران باغستانی

مشتم است و باید تحت تعقیب واقع شود - امر تعقیب نامبرد صادر پرونده نامبره - آذربایجان رجوع شد و لغو پرونده

برخلاف تصریح مقررات سروران باغستانی را تعقیب کردیم و متعجبیم که در تبا اختلاف نامبرد صورت اختلاف حدایه دارند

برابر در حال که سروران باغستانی مرکب جرمی شده باشند طبق تصریح مقررات آورش هر دو حسابین که در رحد و آذربایجان

حساب بخورد و از آن بزرگند با عیبی بد و نکار و تسلیم دادگاه نمودیم

۴۶- در سال ۱۳۲۸ که ایضا تبا در استان آذربایجان استوان احمد سلطانلی مبلغ ۵۶۰۰۰ ریال اخذ نمود و بعد

که حکم قضایی بر محکومیت ایشان صادر گردید

در سال ۱۳۲۰ که اینچنین بپایان رسید آذربایجان راهبند آذربایجان مقامات مربوطه با این دستور موافقت نمودند

که از زندان آزاد شود و ما هم در تبا از ایشان در مدت ۱۱ سال بگیرند که این اقدام مورد ایراد اینجانب واقع و

شدت این عمل مخالفت نمودیم که از نتیجه آن در بکار اطلاع حاصل نشد

۲

- ۲۷ - در سال ۱۲۷ که اینجانب ریاست اداره سهند می را عهد مدارشدم اطلاع حاصل شد که سه دستگاه موتور مولد برق را که از اموال امریکائی های مقیم خرمشهر بازشو واگذار شد به مبلغ بیست هزار تومان شرکت بابا - خرمشهر فروخته اند مستوفی نمود می باشد <sup>قرارداد خرید موتور</sup> موتور ها مخالفت نمود - و تشبیهات از هر طرف شروع شد و توجهی بآن تشبیهات نکردم که بعد آن موتورهای مولد برق در حدود سیصد هزار تومان بجای بیست هزار تومان فروخته شد
- ۲۸ - در نتیجه ارت بیل برای خرید روغن کفالتی منتشر نمود موفق میبکنند که روغن خالص از کره آب کرد و باید باشد پس از آنکه قرارداد را منعقد نمودند همین قرارداد را خواسته شد ملاحظه کردید که در قرارداد برخلاف مفاد عنوان منافع قید شد که ۵۰ درصد روغن تبدیل روغن نه بایستی باشد که این عمل مورد ایراد واقع گردید - زیرا اولاً در بیل مشتقه روغن خیر است در ثانی در ارت بیل وسیله برای تشخیص اینست که ۱۰ درصد روغن نه به خلوص با روغن خالص است وجود ندارد \*
- ۲۹ - در سال ۱۳۲۰ مقرر گردید که حوزه نظم و انضباط قزوین بازرسی انجام کرد \* در نتیجه بازرسی که شد مشاهده گردید که سوءاستفاد و هالی شد مکرراً در آن وقت می شد ولی موضوعی که خیلی جلب توجه نمود این بود که از ۲۴ هزار ریسمول وسیقه فقط ۱۵۰۰ نفر آباد به خدمت تشخیص داد که قطعاً این ۱۵۰۰ نفر جبارترین مردمان آن حوزه بودند \*
- ۳۰ - پیدا نمودن اختلافات که در اعتبارترین لشکر خراسان و لشکر سابق کاره بطمن آمد بود که مبلغ آنها در رضی تعیین شد
- ۳۱ - پیدا نمودن اختلافاتی که در آت نیروی هوایی وجود داشته که حاشیات آن در رضی نموده بود - من بعد آن مربوط به نگارنده و نقشه برداری هوایی است
- ۳۲ - رسیدگی باختلافات سهم موجودی نیارهای نیروی هوایی با دفتر مربوطه
- ۳۳ - رسیدگی به یانعلیون و مال محبت از ادبوی نیروی هوایی که پیش از آن برخلاف اصول صرف شده و مثلاً ساعتی در آن تومان به اشخاص برای سخنرانی در آن بومبلین مهمی خود افسران پس خود تقسیم نمود (بعضی آن عسکرت - کمپون تدقیق)
- ۳۴ - موقعی که بعد آت از صورتی رسیدگی میشد ملاحظه کردید که مطابق قرارداد یکه باید کمپانی فروشنده - انومبیل بسته اند و در حدود ۴ میلیون تومان هاشین خرید ارت کردید که در حدود ۱۰ میلیون هشتصد هزار تومان آنرا از صورتی از محل در آمد اخلا خود برداشته و بنام سردار مراد سال ۱۳۲۸ به ارتش فرستاده و بخصوصاً نام خود در ریح کرد که مبلغ ۱۰ میلیون داشته که ۱۰ هزار تومان این سند از محل در آت و اخلا از آن برداشته و بقیه آنرا از محل اعتبارات این اداره میبرد از بد ارت در ارتش نامه از صورتی را از روی سند مراد امیرکشته صین سند را بعد ارتش آمد که هاشین میفرستد - در ارتش آمده که شمام مبلغ را برخلاف دستور - از صورتی بخش میکند و این موضوع در دفتر ما اثر دارد - ارتش منعکس میکرد و با جعل ارقام دیگر موازنه در دفتر ریاست میکنند - این موضوع چند روز قبل از برکنار آمدن بنده از کار کشف کردید - پس من برنگی در ارتش

وقت بموضوع جنبه اشتباه عملیات دفتری که در مؤسسه بازرگانی تشکیل کمیسیون نمود. « که در پیگردنشد. «اشخاص رسمی  
 ندانم ولی آنچه شنیده‌امست. « این است که اقدام جدی برای شوقین آثار جمع بحمل نیامد موافقین چون مسلم  
 را که موقع شد باید رهنرفا وقوع بود. « با سهیل ابتکار از تلفر نمود. « مانند. »



تاریخ ..... ماه ..... ۱۳۳۲

شماره ..... ضمیمه .....

## وزارت واری

## حساب اصل ۱۶۰۰ ریال متناسب با شرح در ماده ۶۰ قانون استخدام کشوری

ریال	۱ ۶۰۰	ماهیت	۱	پایه
"	۲ ۱۴۰	"	۲	پایه
"	۲ ۶۶۰	"	۳	پایه
"	۳ ۴۶۰	"	۴	پایه
"	۴ ۶۶۰	"	۵	پایه
"	۶ ۲۶۰	"	۶	پایه
"	۸ ۶۶۰	"	۷	پایه
"	۱۰ ۶۶۰	"	۸	پایه
"	۱۲ ۴۶۰	"	۹	پایه

اگر حساب مع ۱۴۰۰۰ ریال بودم کمترین حقوق بود یک ماه ۱۹۰۰۰ ریال بودم  
توضیح شرح در توجیه بود



## پیوست شماره ۳ نخستین جلسه دادگاه تجدیدنظر نظامی

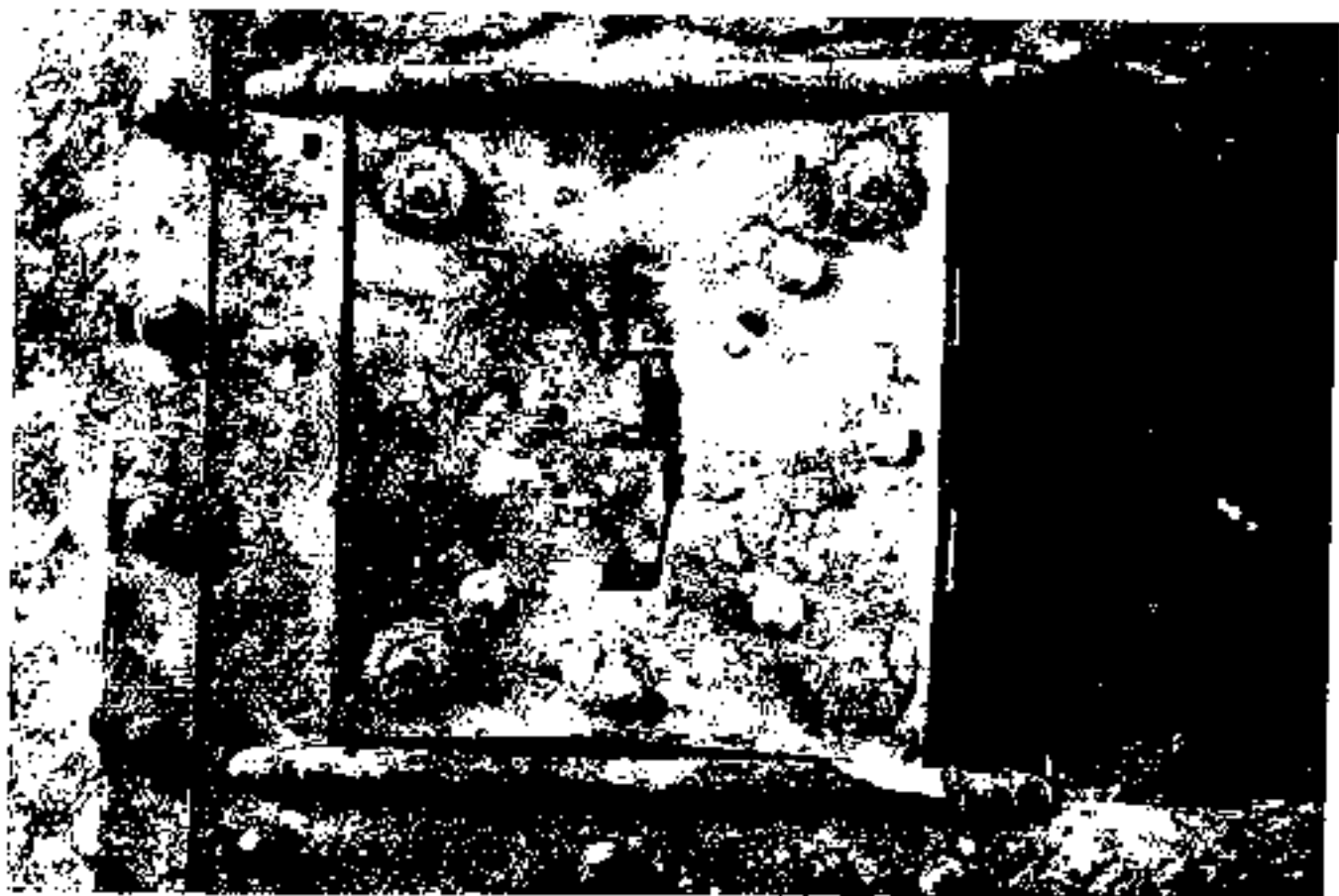
دکتر مصفق از درون پاکتی یک مجله آلمانی (انسترن) را بیرون آورد و بنادگاه تسنیم کرد با ۴ قطعه عکس.  
الف: در مجله انسترن عکسهای متعدد از جریان وقایع ۲۸ مردادماه ۳۲ چاپ شده بود و در زیر هر عکس توضیحاتی داده شده بود. قبلاً در مورد عکس زیر توضیح داده شده است.



از نرائی نصیری با خنده چنین گفت که «همه کارها با این فرمان شروع شده و عزتنامه رایبه من نشان داد - شش روز پیش او از طرف شاه مأموریت داشت که این عزتنامه را به رئیس الوزرا سابق برساند او فوراً بازداشت و محکوم به اعدام گردید (این قسمت اظهار نظر خبرنگار ناصحیح است زیرا در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد از نصیری بازجویی کامل هم نشد تا چه رسد به رسیدگی و صدور حکم اعدام) ولی پس از سه روز بوسیله ارتش آزاد شد و هوشادوش ز نرائی زاهدی عمل کودتا را در تهران انجام داد. آن موقع سرهنگ بود ولی شاه حق شناس او را به درجه ز نرائی ارتقاء داد.



عکس دیگری است از همان مجله سرهنگ کیمی امرویکانی همراه نرائی نصیری هنگام مشاهده گاوصندوقی که از منزل دکتر مصدوقی به غارت رفته.



دو عکس از گاوصندوقی که از منزل دکتر مصدق همراه اسناد آن به غارت رفت

به ندر لایحه اشاره به عکس یازده افسری شده است که اسناد منزل دکتر مصدق را غارت نموده‌اند بطوریکه در عکس زیر ملاحظه میشود این عده اوباش همراه چند درجه‌دار ارتشی از جمله شخصی که با علامت (X) نشان داده شده استوار اکرمی است اسناد را غارت کرده و ابتدا در سالن ورودی اطاق سرلشکر نادر باتمانقلیچ رئیس ستاد ارتش جمع شده و با آجودان رئیس ستاد مشغول مذاکره میباشند.



عکس زیر اطلاق رئیس ستاد ارتش (واقع در چهارراه قوام السلطنه) را نشان میدهد سرلشکر نادر یانمانقلیج با علامت (X) پشت میز ریاست ستاد ارتش (که همان روز این صندلی را اشغال کرده بود) نشسته و سمت راست او سرتیپ منصوری دارا و در ضلع دیگر میز سرهنگ علی خواجه نوری (سرهنگ سوار) و در روی زمین استاد و توشیحاتی که از منزل دکتر مصدق به غارت رفته بود دیده می‌شود.



داستان دسترسی به این عکسها به این شرح می‌باشد که عکاسی که اجازه ورود به دادگاه بدوی داشت در تنفس یکی از جلسات خود را به من نزدیک کرد و گفت عکسهای مربوط به حشوق و بردن اسناد به ستاد ارتش را دارم کجا بدهم. تسانی منزل خود را دادم که پس از غروب اگر منم نبودم با دادن نشانی به همسرم بدهد. آن شب مراجعه‌ای به منزل نشد. صبح فردا خانم دکتر مصدق بمن تلفن کرد که قبل از رفتن پیش آقا اینجا بیا (منزل دخترش) یک امانتی دارم. صبح به منزل ایشان مراجعه کردم عکسها را به من داد گفت: آقای دیشب مراجعه کرد و این عکسها را بمن داد که به آقای دکتر بدهیم. اینها را بده به آقا. بلافاصله به زندان رفته عکسها را به دکتر دادم خیلی خوشحال شد. قرار شد عکسها تکثیر شود که به دادگاه بدهیم. خودمان هم داشته باشیم. دکتر مصدق عکسها را به دادگاه ارائه داد.

بعدها به شخصی که وعده تسلیم این عکسها را داد برخورد گفتم عکسها را چرا به منزل ما تعدادی و به خانم ضیاء السلطنه سپردی؟ گفت: حقیقت این بود که در مشورت جمعی در اعتماد به شما تردید کردیم که ممکن است عکسها را به دکتر مصدق ندهی و حتی ما را لو بدهی. عکسها را به خانم دکتر دادیم و فکر کردیم اگر عکسها در دادگاه ارائه شود آنوقت می فهمیم که سرهنگ بزرگمهر قابل اعتماد است.

آیا می دانید این باتی خیر و این جوانمرد شجاع چه کسی بود؟ او علی خادم بود که پدرش عکاس دربار رضاشاه بود و در چهارراه حسن آباد عکاسی داشت و بعداً این کار را به پسرش علی خادم واگذار کرد. این عمل نشانه‌ای از عشق به حقیقت بود. عظمت موضوع در این است که او با نادیده گرفتن عواقب نامطلوب و شدید از طرف دربار چنین کرد. آفرین بر او باد.

### بیوست شماره ۴ نخستین جلسه دادگاه تجدیدنظر نظامی

در رسیدن به عبارت: ... بواسطه تلگراف از اروپا استاد کرده اند  
رئیس: بفرمائید ولی تاریخچه زندگی را بفرمائید آنچه را جنابعالی لازم می دانید به بنده بفرمائید دلیل بیاورید که احمدشاه نخست وزیر را عزل نکرده — او چه شکلی زندگی کرده چه مربوط است؟  
دکتر مصدق: بله در اصل سلطنت احمدشاه مادام که او کبیر نشده بود ...  
رئیس: راجع به کبیری صغیری او صحبتی بفرمائید.  
دکتر مصدق: آقا ناصرالملک که نایب السلطنه احمدشاه بود در کتابچه نوشته و در آن اظهار عقیده کرده است.

(در این موقع جزوه مزبور را به من داد و من هم تسلیم رئیس دادگاه نمودم که ضبط پرونده شد...) و سپس به ادامه مطلب پرداخت...

متن جلسه رسیدگی آنچه خارج از لایحه بوده بصورت تندنویسی خودم نوشته ام و قسمت اصلی دفاع که فهرست آن را دکتر مصدق قرائت کرد عیناً از لایحه دست نوشت خودشان استخراج و خارج نویسی شده که چاپ می شود.

## پیوست شماره ۵ نخستین جلسه دادگاه تجدید نظر

چگونگی دسترسی به جدول مربوط به انتصاب نخست وزیران حسب تمایل مجلس  
در ادوار تقنینیه مجلس شورایی

دکتر مصدق می‌خواست با سند و مدرک ثابت کند که نخست وزیران بر اساس سنن پارلمانی که از زمان سلطنت احمد شاه مجری و ناصرالملک نایب السلطنه احمد شاه هم در خطابه خود متذکر آن شده با رأی تمایل نمایندگان مجلس شورایی منصوب می‌شوند و مرا نامور تهیه مدرک نمود.

نخستین اقدام در تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۳۴ مراجعه به مجلس شورایی بود. به اعتبار علاقه و احساسات دوستانه کارمندان مجلس به دکتر مصدق بخصوص از لحاظ حضور دکتر مصدق در طول نمایندگی در مجلس و برخورد انسانی با همه آنها و مبارزات او بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ در مجلس و خارج مجلس مورد تحسین فراوان بود. مرا بخوبی و با شوق پذیرا شده و آماده مساعدت و همراهی در تهیه مدارک شدند. منظور خود را با راهنمایی آقای جواد سبحانی که از دوستان و کارمندان مجلس بود اظهار داشتیم او با کمک همکاران به من همراهی نمود تا قسمتی از سوابق مجلس و روزنامه‌ها را رونویس و یادداشت کردم و ادامه امر را بدوستان تازه یافته واگذاریم. مراجعه به مجلس در روزهای شنبه ۱۹ و یکشنبه ۲۰ و شنبه ۲۶ دیماه ادامه داشت. عصر ۲۰ دیماه و روزهای دیگر هم به کتابخانه روزنامه اطلاعات می‌رفتم. روز یکشنبه ۱۱ بهمن ماه آخرین مراجعه ام به مجلس شورایی بود که یک نسخه جایی از خطابه ناصرالملک را برحمت پیدا کرده به من دادند که دکتر مصدق پس از قرائت ضمن مدارک دیگر در دادگاه تسلیم نمود که وارد پرونده گردید.

در کتابخانه روزنامه اطلاعات، روزنامه‌ها را سه ماه سه ماه جمع و جلد کرده و ترتیب سالها قفسه‌بندی نموده بودند. مخبرین و عکاسان روزنامه اطلاعات به اعتبار چند سالی خدمتم در دانشکده اقماری و مراجعات آنها در مراسم مختلف با من آشنا بودند و در محاکمه دکتر مصدق تجدید دیدار بعمل آمد. در روزنامه هم اظهار محبت می‌کردند. از این رو بدون مانع وارد بایگانی روزنامه شده روزنامه مورد نظر را از قفسه درآورده استخراج می‌کردم اغلب آنگوست ظاهر هم نصیب می‌شد و مهمان آنها بودم.

به طوری که در جدول ملاحظه می‌شود صورت تهیه شده از ماه عقرب ۱۳۰۰ (هشتمین ماه شمسی) که قوام السلطنه در دوره چهارم مجلس شورای ملی با ۵۵ رأی تمایل به نخست‌وزیری منصوب گردیده است شروع می‌شود.

ولی دکتر مصدق جدول مربوط به نخست وزیران بعد از شهریور ۱۳۲۰ (دوره سلطنت محمدرضا

پهلوی) را مورد استفاده قرار داد. و بقیه را کنار گذاشت.

جنوبی که من تهیه کرده بودم تا تیرماه ۱۳۳۶ بود که دکتر مصدق قسمتی از جدول مربوط به ابراز نماییل به ذکاء الملک فروغی (محمدعلی) بعد از واقعه شهریور ماه ۱۳۲۰ تا اول مرداد را انتخاب کرده و در دادگاه تجدیدنظر مورد استفسار قرار داد و بقیه را حذف نمود.

اینک از نظر اطلاع خوانندگان و به سبب وجود تاریخهای وقایع منحص و مستخرجه از روزنامه‌های زمان تمامی جدول را در زیر می‌آورم که مبنایی برای مراجعه باشد.

ضمناً جریان اظهار نماییل به نخست‌وزیری و تشکیل مجلس و معرفی دو کابینه را نیز می‌آورم که مطالب تا حدودی تکمیل شود.

تاریخ	رئیس دولت	وضع نماییل مجلس شورای ملی	خصوصیات و ملاحظات
عقرب ۱۳۰۰	قوام السلطنه	با ۵۵ رای ابراز نماییل مجلس	—
—	مشیرالدوله	—	—
جوزای ۱۳۰۱	قوام السلطنه	با ۶۵ رای ابراز نماییل مجلس	فرمان تلگرافی پس از ابراز نماییل از پاریس احمدشاه صادر نمود
دلو ۱۳۰۱	متوفی الممالک	با ۵۵ رای ابراز نماییل مجلس	—
—	سردار سپه	با ۹۰ رای ابراز نماییل و اعتماد	در حمل ۱۳۰۳ موفقیکه سردار به قهر کرده به رودهن رفته بود.
شهریور ۱۳۰۵	متوفی الممالک	با ۶۶ رای ابراز نماییل مجلس	—
آبانماه ۱۳۰۷	مخبر السلطنه هدایت	ابراز نماییل با اکثریت قریب باتفاق	—
بهمن ماه ۱۳۰۹	مخبر السلطنه هدایت	بدون رای نماییل به فرمان رضاشاه	بعثت تجدید دوره تقنینیه استعفا میدهد
فروردین ۱۳۱۲	مخبر السلطنه هدایت	بدون رای نماییل به فرمان رضاشاه	بعثت تجدید دوره تقنینیه استعفا میدهد
خرداد ۱۳۱۴	فروغی	بدون رای نماییل به فرمان رضاشاه	—
آذر ۱۳۱۴	جم	بدون رای نماییل به فرمان رضاشاه	بعثت کسالت آقای فروغی و قبول کناره‌گیری
مهرماه ۱۳۱۶	جم	بدون رای نماییل به فرمان رضاشاه	بعثت تجدید دوره تقنینیه استعفا و دوباره مأمور تشکیل کابینه می‌شود



آبانماه ۱۳۱۸	دکتر متین دفتری	بدون رأی تمایل به فرمان رضاشاه	—
تیرماه ۱۳۱۹	علی منصور	بدون رأی تمایل به فرمان رضاشاه	—
۵ شهریور ماه ۱۳۲۰	فروغی	بدون رأی تمایل به فرمان رضاشاه	استعفای علی منصور به مناسبت وقایع شهریور ۱۳۲۰
۲۷ شهریور ۱۳۲۰	فروغی	ابراز تمایل مجلس با اتفاق آراء در جلسه خصوصی	—
آذرماه ۱۳۲۰	فروغی	ابراز تمایل مجلس با اکثریت آراء	—
اسفندماه ۱۳۲۰	علی سهیلی	ابراز تمایل با اکثریت قریب بیتفاق آراء	فروغی بعثت که آوردن رأی در تقاضای رأی اعتماد استعفا داد در ۲۵ بهمن ماه استعفای قوام
مردادماه ۱۳۲۱	احمد قوام	در جلسه خصوصی از ۸۷ نفر عده حاضر حائز اکثریت در رأی تمایل گردید	—
بهمن ماه ۱۳۲۱	علی سهیلی	از ۱۱۰ نفر عده حاضر ۷۲ نفر ابراز تمایل نمود	بعثت پایان دوره و افتتاح دوره ۱۴ استعفا داده بود
فروردین ماه ۱۳۲۳	ساعده مراغه	با ابراز تمایل با اکثریت آراء	—
آذرماه ۱۳۲۳	سهام السلطان بیات	از ۱۰۰ نفر ۵۰ نفر رأی تمایل دادند	در تقاضای رأی اعتماد از ۹۲ نفر ۴۵ نفر رأی اعتماد دادند. بیات کناره گیری کرد
اردیبهشت ماه ۱۳۲۴	حکیمی	از ۹۸ نفر حاضر ۶۴ نفر ابراز تمایل کردند	کناره گیری در خردادماه بعثت که رأی آوردن در تقاضای اعتماد
خردادماه ۱۳۲۴	صدرالاشرف	از ۶۸ نفر ۶۰ نفر ابراز تمایل نمود	۲۹ مهرماه صدر استعفا داد
آبانماه ۱۳۲۴	حکیمی	از ۹۴ نفر ۷۵ رأی تمایل بدست آورد	—
بهمن ماه ۱۳۲۴	احمد قوام	از ۱۰۴ نفر ۵۲ نفر ابراز تمایل نمود	—
شهریورماه ۱۳۲۶	احمد قوام	از ۱۱۶ نفر ۷۸ نفر ابراز تمایل نمود	آذرماه ۱۳۲۶ رأی اعتماد خواست از ۱۱۲ نفر ۴۶ رأی اعتماد داشت سابقا نبود

از ۱۱۳ نفر ۵۴ رأی تمایل به حکیمی	از ۱۱۳ نفر ۵۳ رأی تمایل به مصدق	با ۳۸ رأی موافق از ۱۰۰ نفر سقوط کرد
از ۱۲۰ نفر ۶۶ نفر ابراز تمایل نمود	از ۷۲ رأی تمایل از قراکسبوتنه‌های مجلس	۲۸ اسفند ۱۳۲۸ استعفا داد
عبدالحسین هزیر	علی منصور	۵ تیر ماه ۲۹ منصور استعفا داد
ساعده مراغه	سیهبد رزم‌آرا	بدون رأی تمایل بر حسب فرمان محمد رضا بهلوی
فروردین ماه ۱۳۲۹	حسین علا	از ۹۷ نفر ۷۰ رأی تمایل در مجلس
۵ تیر ماه ۱۳۲۹	دکتر محمد مصدق	از ۱۰۰ نفر ۷۹ رأی تمایل
اسفند ماه ۱۳۲۹	احمد قوام	۴۰ نفر رأی تمایل دادند ولی اکثریت در مجلس حضور نداشتند
اردیبهشت ماه ۱۳۳۰		وقایع ۳۰ تیر ۳۶ دولت قوام را ساقط کرد و دکتر محمد مصدق مجدداً زمامدار شد - ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

از روزنامه ایران یکشنبه ۲۲ محرم الحرام ۱۳۴۰  
دوم میزان ۱۳۰۰ - ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۱

شماره ۹۸۲ جلسه خصوصی - تئیت گابینه:

روز گذشته یکساعت قبل از ظهر جلسه خصوصی وکلای محترم در مجلس شورایی تشکیل تا مقارن ظهر مذاکرات مسووظی راجع به تئیت موقعت گابینه نموده تا مقارن ظهر مذاکرات جرین دانست و نیز مقارن

شروب مجدداً جلسه خصوصی تشکیل و در تعقیب مذاکرات صبح مذاکره شد و در خاتمه به اکثریت ۵۵ نفر از وکلاء محترم نظر بموقعیت فعلی منکک و مخاطره بحران رنی به نیت موقعیت گابینه دادند و دو ساعت از سب گذشته جلسه متفرق گشت.

### جلسه علنی

مطابق اطلاع خصوصی که تحصیل نموده ام آقای رئیس انوزراء، اعضاء گابینه خود را در همین هفته در نظر گرفته و به مجلس سورایعلی که جلسه علنی خود را تا آخر این هفته تشکیل خواهند داد معرفی خواهند فرمود.

وزیر داخله و رئیس انوزراء	قوام السلطنه
وزیر جنگ	سردار سبه
وزیر خارجه	مصوق السلطنه
وزیر مانیه	عزرائعلک (کقبلی)
وزیر عدلیه	منار السلطنه
وزیر پست و تلگراف	نهاب ندونه
وزیر علوه و صحیه	امیر علم
وزیر قوائد عامه	عمید السلطنه

گابینه نوم قوام السلطنه نمونه دیگری است که تفصیل بینتری درود.

روزنامه ایران شماره ۱۷۱۱۵۰ جوزای ۱۳۰۱

### تلگراف اعلیحضرت همایونی به ریاست پارلمان

تلگراف شد رسید با تلگرافات مکرری که کردم و مساعی که مجلس بعمل آورد خیلی قسوس می خوره که جناب سرف منیرالدوله از مداومت از خدمت امتناع نمود حالا هم احسن وجوه ایست که خود ایشان متقاعد شوند و در صورتیکه ممکن نباشد تمایلات اکثریت مجلس را تلگراف نمایند تا از آن قسوس به بحران خاتمه داده شود. شما

روزنامه ایران شماره ۱۱۵۰  
۱۷ جوزای ۱۳۰۱ ژوئن ۱۹۲۲

### رفع بحران

تلگراف اعلیحضرت همايونی (منظور احمدشاه) روز گذشته به مجلس شورایملى رسيد که عيناً در اين شماره در ضمن اخبار مجلس مندرج است.

متعاقب آن غروب ديروز جلسه خصوصى وکلای محترم تشکيل و به اکثریت قریب به اتفاق نمايل خود را به ریاست وزرائى آقای قوام السلطنه اظهار داشتند مطابق آن تلگرافى به حضور اعلیحضرت همايونى مخابره شد.

خلاصه مجلس شورایملى به اکثریت متجاوز از ۶۵ نفر نمايل خود را نسبت به قوام السلطنه اظهار داشتند.

۱۰ ژوئن از پاریس

### جناب اشرف قوام السلطنه

سرور هشتم که بار دیگر موقع خدمتگزارى شما رسیده و نظر به اعتمادى که به شما داشته و داريم شما را به ریاست و زرا متصوب مى داريم که هر چه زودتر کابينه را تشکيل فرمائيد. اميدواريم که انشاء الله تعالی موفقیت کامل در خدمات به مملکت حاصل کنيد. شاه

معرفى کابينه

روزنامه ایران شماره ۱۱۵۰-۱۷ جوزای ۱۳۰۱

بیانات آقای رئیس الوزرا (قوام السلطنه)

در این موقع که بر حسب نمايل مجلس شورایملى و اعتماد آقایان نمایندگان محترم از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی مأمور تشکيل دولت شده ام.....

قوام السلطنه	رئیس الوزرا و وزیر امور خارجه
سردار سپه	وزیر جنگ
حاج محترم السلطنه	وزیر معارف و اوقاف
فهیبه الملک	وزیر مالیه
وحید الملک	وزیر پست و تلگراف

منار السطنه

وزیر عدلیه

عمیدالسلطنه

وزیر فوائد عامه

### بیوست شماره ۶ نخستین جلسه دادگاه تجدیدنظر نظامی

۱ - راجع به نخست وزیری سپهبد حاج علی رزم آرا که دکتر مصدق قبل از نخست وزیری او برای احراز این سمت مخالفت داشته و پیغام مبداده که زیر بار نخست وزیری نرود و قبول نکند ولی رزم آرا در حرص نخست وزیری در تلاش بوده، بالاخره موضوع منجر می شود به اینکه هر دو در منزل مرحوم اللهیار صالح دیرکل حزب ایران که با سمتهای وزرات در چندین دوره به امانت و بساکی و تفوا شهرت داشته در خیابان فخر رازی روبروی دانشگاه تهران چهارراه ناهید گرد آیند و مذاکره نمایند.

لازم به اظهار می باشد که مرحوم اللهیار صالح عموی همسر (منتزله خانم صالح) و من اول داماد خانواده صالح بودم و مورد کمال محبت او قرار داشتم و این جریان را او برای من تعریف کرد ای کاش او زنده بود و کتاب او را می خواند که تشریح جریان محاکمه دکتر مصدق آمال و آرزوی او بود. این ملاقات را او تقریر کرد. این ملاقات اوایل شب مقارن با تکلیف نخست وزیری به سپهبد رزم آرا صورت می گیرد. حرف دکتر مصدق به طور خلاصه این بوده است که اگر قصد خدمت داری در سلطنت نظامیان بهتر می توانی خدمت کنی. در نخست وزیری منافع دولت انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی باعث می شود که آلوده شوی و در این کار پیشرفت نداشته باشی، همان نظامی بهائی بهتر است.

سپهبد رزم آرا استدلال می کند با انعقاد قراردادهای بازرگانی و غیره با هر دو دولت تعادل برقرار نموده برای تعالی و ترقی مملکت فعالیت می کنم.

دکتر مصدق می گوید اگر فکر میکنی با دادن هر گونه امتیاز به هر دو طرف می توانی آنها را ساکت بکنی کار عبث است و در استباهی. دولت انگلیس و دولت شوروی درست در دو قطب مخالفند و شما قادر نیستید تعادل برقرار کنید از این فکر دست بردارید و قصد نخست وزیری نداشته باشید.

جملاتی را که در زیر می نویسم گفته خود دکتر مصدق است که در زندان به من گفت و گفته های اللهیار صالح را تأیید کرد:

«به رزم آرا گفت: نخست وزیری را قبول نکن صلاحیت نیست»

رزم آرا به من گفت: من مجبورم. من مجبورم!

این را دو بار تکرار کرد. گفت: حالا که مجبوری یا هم حرفی ندارم.

بلافاصله دکتر مصدق جلسه را ترک کرده هر دو بندهای صالح را طی کرده در خانه را باز می کنند و به خیابان فخر رازی وارد می شوند. پاسی از شب گذشته و دیر وقت بود.

## پیوست شماره ۷ نخستین جلسه دادگاه تجدیدنظر نظامی

قسمت عمیرین داستان این است:

منزل دکتر مصدق در خیابان کاخ شماره ۱۰۹ و منزل سپهبد رزم‌آراه در خیابان جم سابق (مشعب از خیابان کاخ از طریق کوچه هلالی) و منزل اللهیار صالح روی در جنوبی بزرگ دانشگاه تهران خیابان فخر رازی بود.

در آن شب دکتر مصدق با ماشین شخصی به منزل اللهیار صالح آمده و ماشین دم در متوقف بوده است. سپهبد رزم‌آراه پیاده آمده یا با ماشین آمده ماشین و شوهر را مرخص کرده بود با ته ستمی دانس ولی عرف و روال کار علی القاعده این است که در آن ساعت دبر وقت شب دکتر مصدق سپهبد رزم‌آراه را سوار کند و به منزلی برساند. برای نشان دادن مخالفت با طرز فکر رزم‌آراه و عدم توافق با او دکتر مصدق به تنهایی سوار ماشین خودش می‌شود. تعارف ماشین نمی‌کند و به شوهر می‌گوید برو منزل و رزم‌آراه اجباراً پیاده تا خانه‌اش را طی طریق می‌کند.

۲ - الف - مرگ رأی تمایل

موضوع رأی تمایل منتهی است

روزنامه اطلاعات شماره  $\frac{۸۳۶۲}{۳۳/۲/۱}$  در صفحه ۸ می‌نویسد:

«در تعقیب مذاکراتی که دیروز بین عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی در مورد رأی تمایل مجلسین جریان داشت امروز در محافل پارلمانی صحبت از این بود که اعلیحضرت همایونی تصمصب دارند در انتخاب رئیس دولت از حق قانونی خود طبق مفاد قانون اساسی استفاده نمایند و بدین ترتیب موضوع خواستن رأی تمایل مجلسین که سابقه‌ای پیش نبوده است عملی نخواهد شد.

اینهمه فرجه‌ای تمایل و رویه بعد از کودتای ۲۸ مرداد که با تبر خلاص خود مجلسیان رأی تمایل مرد! معمدرضا شاه به فضل‌الله زاهدی را همین گونه نخست وزیر معرفی کرد.

۲ - ب - روزنامه اطلاعات ۸۳۷۰ در سخنان قبل از دستور مجلس سنا چنین گفته شد:

جمال امامی «... گفته به احترام فرمان اعلیحضرت لازم است یک حاشیه‌ای بر روی قانون اساسی ما حتی عزل و نصب وزیران را واگذار به شاه مملکت کرده است و من برخلاف آنهایی که می‌گویند این اصل تشریفاتی است به آن معتقدم زیرا اگر بنا باشد هر کسی بگوید فلان اصل تشریفاتی است منم اصول دیگری را تشریفاتی خواهم گفتم.

ولی یک سابقه و سنتی بوده که دلایلی داشته است که بیابند از مجلس رأی تمایل بگیرند تا اصطکاکاتی بین فوه قانونگذاری و دولت پیدا نشود وقتی در مملکتی اصولی مستقر شد مقررات افراد و جامعه دستخوش اغراض می‌شود اگر صلاح می‌دانید که همیشه اعلیحضرت فرمان صادر کنند من هم موافقه ولی اگر قرار است رأی تمایل گرفته شود همیشه گرفته شود این نه برای مملکت خوب است نه برای سلطنت.»

اینهمه حرفی بود محافظه‌کارانه معهدا یادآور رأی تمایل.

## دومین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی

۱۳۳۳:۱/۲۱

دومین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی مأمور دادرسی آقایان دکتر محمد مصدق و سرنایب نفی ریاحی در ساعت ۸ و نیم صبح روز شنبه بیست و یکم فروردین ماه ۱۳۳۳ در تالار بانسنگاه افسران لشکر ۲ زرهی تشکیل گردید. پس از اعلام رسمیت دادگاه و قرائت صورت جلسه رئیس دادگاه گفت:

به نام خداوند متعال جلسه تشکیل است. قبلاً به آقایان مخبرین جناب آقایان نعامت‌اشجیان تذکر دهم که در موقع تشکیل جلسه حق خارج شدن از جلسه را ندارند زیرا متهمین بایستی آزادانه آنچه می‌خواهند بیان کنند و رفت و آمد مخبرین و نعامت‌اشجیان مانع اظهار نظر آزادانه متهمین خواهد شد. همچنین عکسبرداری هنگامی که جلسه منعقد است ممنوع است. اکنون جناب آقای دکتر مصدق بقیه لایحه خودتان را قرائت کنید و من متوجه بمانمید بطرز گوشه و کنایه به کسی اعم از اینکه حضور داشته یا نداشته باشد توهین نکنید و از موضوع و مطلب و آنچه مربوط به اعتراض بصلاحت دادگاه است خارج نشوید.

دکتر مصدق: اجازه بفرمایید آقا.

رئیس: خواهش می‌کنم بفرمایید.

دکتر مصدق: من آقا بر سر تصمیمی که روز ۱۴ فروردین گرفته بوده و به جناب آقای وزیر دفاع ملی نوشته بودم و رونوشت آن را نیز برای جناب آقای رئیس دادگاه فرستادم. باقی هشتم زیر افکارهای خود را کردم و دیدم که من در وضعی واقع شده‌ام که از هر خوان بگذرم خوان دیگری جلو من هست. اینکه فرمودید نعامت‌اشجیان بر خلاف انتظامات کاری نکنند سالیه به انتفاع موضوع است. دادگاه عملاً سر می‌آید. نعامت‌اشجیان نیست که رئیس اینطور توصیه بفرمایند. دادگاه فرق است و فرقیان نگذاشتند اشخاصی صندلیهای دادگاه را تصرف کنند. من در آن تصمیم باقی هشتم و از خود دفاع نمی‌کنم و از ظهر امروز اعتصاب غذا می‌کنم. اینجا

۱. این نامه در دو صفحه می‌باشد که همراه یک نامه دیگر به عنوان داستانی ارتش عیناً چاپ می‌شود.

۲. عددی از افسران و درجه‌داران رکن ۲ و اطلاعاتی با تاسیس جدول صندلیهای محدودی را اشغال کرده بودند و در دادگاه تجدید نظر نظامی تصمیم بر این بود که نعامت‌اشجیان در حداقل باشد.

هم آمده‌ام که این آقایان افسران همه ببینند و شهادت بدهند که من با نهایت شعور و عقل به اعتصاب غذا می‌پردازم. حال اگر کسی اینقدر توجه به حقایق ندارد، اینقدر جاه‌طلب است که متحصی به نداد جنون می‌خواهد بک آدم عاقلی را به عنوان جنون به تیمزستان بفرستد - بفرستد. شما همه شاهد هستید که من در نهایت شعور و عقل برای اینکه خودم را از این وضعیت خلاصی کنم غذا نمی‌خورم تا جان سپارم و راحت شوم و عقیده دارم که اینهم یک خدمتی است که از یک فردی اثر به مملکت شده است. تا من و امثال من جانتان را فدای مملکت نکنیم وضع مملکت سر و صورت پیدا نمی‌کند.

حالا اگر اجازه می‌فرمایید که عرض کنم که چرا دفاع نمی‌کنم چرا غذا نمی‌خورم چند کلمه عرض کنم و اگر اجازه نمی‌دهید از شما تیمسار آن محترم خداحافظی می‌کنم و می‌روم در محل قصر استراحت کنم و غذا نمی‌خورم.

رئیس: اظهارات جنابعالی راجع به اینکه چون نماشاجی در دادگاه به اندازه کافی حاضر نشده ناشی از این است که اجازه ورود به اشخاص نداده‌اند و این عمل را منتسب به اینجانب و با دستگاہهای قضائی و ارتشی می‌دهید جداً تکذیب می‌کنم. شرافتمندی و وظیفه‌شناسی و خداپرستی منحصر به یک شخص و یا اشخاص معین نیست من و همکارانم به شرافت و وجدان و قانون ایمان راسخ داریم. خواهشمندم توضیح دهید کدام نماشاجی نقضاتی کارت ورود کرده (دکتر مصدق: هزار نفر) که به آنها داده نشده. خواهشمندم همان طوری که من در بین فرمایشات شما قطع کلام نکردم (دکتر مصدق: جنم) شما هم کلام مرا قطع نکنید (دکتر مصدق: اطاعت می‌کنم قربان) باز خواهش می‌کنم به حکم تراکت و قانون و انصاف قطع کلام من را نکنید مخصوصاً به شرافت سربازی خود سوگند می‌خورم که در ده دقیقه قبل به منشی دادگاه تذکر داده‌ام که اگر اشخاصی نتوانسته‌اند کارت بگیرند و اکنون در مقابل در ورودی منتظر هستند به آنها کارت داده شود. من بنا بر این بیطرفی در انجام وظیفه سربازی خود عمری را گذرانده‌ام نهایت بی‌انصافی است که چنین نسبتی را می‌دهید. در ضمن بیانات من فرمودید هزار نفر کارت خواسته‌اند به آنها داده نشده ملاحظه می‌فرمایید گنجایش این محل در حدود چند نفر است اینک بفرمایید اسامی آن کسانی که کارت خواسته‌اند و به آنها کارت ورود داده نشده چیست؟ اما راجع به اینکه فرمودید اعتصاب غذا می‌کنم آن امری است که مربوط به اینجانب نیست - معتارید.

موضوع اعتراض به صلاحیت دادگاه بود. صراحتاً عرض می‌کنم هر گونه اعتراضی که دارید هر چند ساعت که میل دارید بیان کنید و به هیچ وجه جلوی سخن سرکار گرفته نمی‌شود. صریحاً باز تکرار می‌کنم آزادی گفتار دارید. هر چه می‌خواهید بگوئید و هر قدر که بگوئید و هر چند روز که طول بکشد بنده و نساء هیئت داوران حاضریم با نهایت صبر و حوصله گوش کنیم. فقط تذکری که دادم این بود که به هیچ کس نباید اهانتی بشود نه از طرف من و نه از طرف جنابعالی و نه از طرف دیگران زیرا اینجا دادگاه است. دو مرتبه عرض می‌کنم شما آزاد هستید در بیانات خود که هر چه را برای دفاع خود لازم می‌دانید آزادانه



بیان کنید ما هم گوش می‌کنیم.

دکتر مصدق: اجازه می‌فرمایید دلیلی که می‌خواهم از خود دفاع کنم به عرض دادگاه برسانم اگر این دلایل شما را قانع نکرد که بسیار خوب اگر قانع نشدید که حرفی ندارم. آقا من چهار دوره در مجلس شورای ملی و کانت کردام من نازه بست تریون نیامده‌ام. من قضایا را عرض می‌کنم قضایا که اهانت نیست من هرگز به کسی اهانت نمی‌کنم و از اینکه بین فرمایشات شما مطلبی گفتم خیلی خجل هستم. حق این بود که حرفی نزنم. اینجا جای متاجره و جای حرفهای بی‌منطق نیست باید از روی منطق حرف زد و از روی منطق هم حرف شنید.

رئیس: آقای دکتر مصدق موضوعی که فعلاً مطرح است اعتراض به صلاحیت است (دکتر مصدق: بله) شما شروع کنید به قرائت لایحه خودتان اگر مانع شده بفرمایید چون آزادی ندارم دفاع نمی‌کنم.

حنماً می‌فرمایید توضیح می‌دهم که چرا دفاع نمی‌کنم. بنده عرض می‌کنم توضیح لازم نیست شما متهم هستید و حق دفاع دارید و بنده عرض می‌کنم آنچه را برای دفاع خود لازم می‌دانید، بفرمایید. در مورد اهانت عرض نکردم که شما اهانت کرده‌اید عرض کردم که به کسی اهانت نشود و این تذکر و خواهش قانونی حق رئیس دادگاه است. باز عرض می‌کنم شما آزادی مطلق دارید به جای گفتار خودتان که آنچه را برای دفاع خود مفید میدانید بفرمایید ولی عرض کردم خارج از موضوع نباشد اگر هم میل دارید خارج از موضوع صحبت کنید اگر منافی اخلاق و مصالح عالی کشور نباشد مانعی ندارد باز هم جلوگیری نخواهم کرد بفرمایید.

دکتر مصدق: معلوم شد که جناب تیمار ریاست دادگاه به آزادی گفتار اشاره نمودند توجه نفرمودند که من در هفت خوانی هستم؛ یکی از آن هفت خوان دادگاه است، هفتخوان دوم روزنامه‌هاست وقتی که می‌گوید دادگاه علنی است باید مذاکرات متهم در روزنامه‌ها نوشته شود - تعریف نشود - تعریف غیر از جعل است تعریف یعنی قسمتی از نطق را ننویسند و با قسمتی به نطق اضافه کنند.

رئیس: این مربوط به بنده است؟ اگر قرضاً ادعای جنابعالی صحیح باشد (دکتر مصدق: نیست؟) من که رئیس دادگاه هستم قلم از دست کدام مخبر گرفته‌ام و به کدام مخبر گفته‌ام که مطالب شما را یادداشت نکند. عرض کردم موضوعی که مطرح است موضوع اعتراض شما به صلاحیت دادگاه است. اگر روزنامه‌نگار عمداً یا سهواً به میل شما ننویسد به من چه مربوط است. من برای قضاوت آمده‌ام حال آقایان مخبرین بنحوی که جنابعالی مایل هستید. بیانات جنابعالی را نوشته‌اند این چه مربوط به دادگاه است. آیا حق اینست که این حرف در دادگاه گفته شود؟

شما مرد قانون و با سابقه در مجلس شورای ملی هستید انصاف بدهید این اعتراضات شما وارد است که به رئیس دادگاه بفرمایید من اعتراض دارم چون در جرایم سخنان مرا منتشر نمی‌کند من لایحه دفاعی خود را نمی‌خوانم و اعتصاب غذا می‌کنم؟ این حرف از جنابعالی شایسته نیست اکنون باز تکرار می‌کنم جنابعالی شروع کنید به خواندن لایحه و بیش از این اصرار نکنید.

دکتر مصدق: بنده یک کلام بین فرمایشات جنابعالی عرض نکردم بولی بنده عرایض تمام نشده بود که بین عرایض بنده تقریباً چند دقیقه فرمایشاتی فرمودید و حالا هم به روی بزرگوار خودتان نمی‌آورید. بنده به

مقام محترم اعتراض نکردم بنده عرض کردم در هفتخوانی واقع شده‌ام یک خوان در دادگاه است و بقیه را اجازه ندادید. بنده عرض می‌کنم برای چه محاکمه می‌کنند؟ چرا محاکمه می‌کنند؟ برای اینکه مستهم دفاع خودش را بکند آن مرد (اشاره به دادستان) که نمی‌خواهم با نوشتن دادستانی بدهم حرفهایش را بزند. بعد دادگاه می‌خورد رأی خودش را بدهد. دادگاه ممکن است عمداً اشتباهاً یک رأی غلطی بدهد مگر نوع بشر خاطی نیست. آنهایی که خاطی نیستند معصومین هستند ولی نوع بشر رئیس دادگاه و اعضاء دادگاه همه خاطی هستند. ممکن است اشتباه کنند اگر جنابعالی بفرمایید چون من سرلشکر جوادی هستم اشتباه نمی‌کنم صحیح نیست. خود جنابعالی و این آقایان در زمان چون نوع بشر هستند اشتباه می‌کنند. اگر گفتید که اشتباه نمی‌کنم آنوقت باید در این باب مطالعه شود که چه بنده که این آقایان اصلاً اشتباه نمی‌کنند پس آنهایی که می‌توانند قضاوت کنند دادگاه اشتباه کرد یا نکرده وقتی نطق من در جریان منتشر نشود افکار عمومی نمی‌توانند قضاوت کنند. من به این آقایان عرض می‌کنم چه بسیار از متهمین که دادگاه آنها را غسل داده وئی پاک نشده اند چه بسیار متهمینی که دادگاه آنها را محکوم کرده ولی در افکار عمومی طیب و ظاهر هستند. پس توجه بفرمایید موضوع را با موضوع دادگاه مخلوط نکنید من وظیفه‌ای دارم در دادگاه از خود دفاع نمایم و طبقه دیگر این است که در جامعه مرا متهم قلمداد نکنند و افکار جامعه را نسبت به من مشوش و پریشان نکنند. من همان روز با اجازه شما لایحه‌ای قرائت کردم برای اینکه از هر گونه سهو و اشتباه شدن نویسان مصون بماند با حالت ناتوانی ۴ نسخه حاضر کرده به خط خودم که یکی تسلیم دادگاه شد و سه تا هم به مخبرین داده که مورد اعتراض واقع شده و امروز سرکار سرهنگ فرخ‌نیا به من اظهار نمود شما اگر لوابی دارید شایسته نیست که مستقیماً خود با نویسندگان جرایم در دادگاه مذاکره کنید شما لایحه خودتان را بدهید به من که من به آنها بدهم. این امر موجب تعجب من شد زیرا من به موجب ماده ۲۲۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش تذکر داده بعد از تجدید نظر شخص آزادی هستم و به هیچ وجه آن حبس مجرد در بازه من قابل اجرا نیست امروز وضعیت و بدبختی من با قضاوت دادگاه به من توجه رسیده که حتی نمی‌توانم لایحه‌ای را به تدوینان<sup>۳</sup> جرایم بدهم جناب آقای رئیس دادگاه این زندگی برای من که آزادانه زندگی کرده‌ام قابل تحمل نیست اجازه بدهید از خود دفاع نکم و تصمیم خود را اجرا نمایم اگر مصدحت باشد اجازه بدهید دلایلی که می‌خواهم دفاع نکم و دلایلی که می‌خواهم خود را از بین ببرم به طوری که به هیچ کس و به هیچ جا بر نخورد بیان کنم. شما مطمئن باشید که موجب مسئولیت شما نخواهد شد از این بابت ترسی نداشته باشید بگذارید دلایل خود را چند دقیقه عرض کنم آنوقت شما بتوسید کسی که این عرایض را می‌کند صاحب عقل و شعور هست یا نیست و اگر نیست آن مرد دست‌بند بزند و مرا به بیمارستان بفرستند ولی اگر هست بگذارید بروم و در جای خود استراحت کنم و آقایان اطمینان داشته باشید که سه یا چهار روز دیگر وضعیت من بیشتر طول نمی‌کشد. این را به شما عرض کنم اگر

۴- ۱۰ نسخه حاضر کرده بودند ۱۵ نسخه در دوبار ۱۵ نسخه در اختیار ما قرار گرفت از ۵ نسخه دیگر ۴ نسخه برای مخبرین به عقب برتاب شد که مخبرین جریمه گرفتند.

۵- منظور مخبرین جرایم است که با تدوین جرایم محاکمه را به روزنامه خود برای جناب می‌دادند.

وضع من به این ترتیب ادامه داشته باشد خودم را یا دوا مسموم نخواهم کرد چون من سابقاً در بین راه تهران و مشهد سم خوردم ولی در این شرایط خود را از بین نخواهم برد. من به توافقتان قسم در این محیطی که هستم مطلقاً سم ندارم و اگر داشته باشم با سم خودم را از بین نمیبرم. زیرا من در زندان بیرجند مجرب شده‌ام و دانسته‌ام که بهترین خودکشی غذا نخوردن است.<sup>۶</sup>

اگر اجازه می‌فرمایید چند کلمه‌ای عرض می‌کنم و اگر اجازه نمی‌دهید می‌روم روی تخت خواب خود دراز می‌کشم و غذا هم نمی‌خورم تا از بین بروم.

رئیس: در مورد لایحه‌ای که فرمودید در حضور دادگاه هیئت دادرسان ناظر بودند با نهایت آزادی بین خبرنگاران بخش کردید این را بنده و تمام تماشاچیان و تمام دادرسان مشاهده کردیم و دو موقع تنفس چون متهمین در اختیار (دکتر مصدق: آن مرد است) قوای انتظامی است این جانب استحضاری ندارم زیرا پس از ختم و اعلام تنفس از دادگاه خارج شدیم. بهتر است که لایحه خود را قرائت فرمایید و آنچه بفرمایید گوش می‌دهیم. اینکه در جرایم چه گذشته است من مسئول نیستم من یک مسئولیت وجدانی در پیشگاه خدای متعال دارم و از خداوند بزرگ استعانت می‌طلبم که ما را به راه راست هدایت کند. (دکتر مصدق: انشاء الله) بیشتر از افکار عمومی بدان اهمیت می‌دهم که من و همکارانم به حکم قانون و انصاف به جنابعالی آزادی گفتار و بیان خواهیم داد. آقایان آزادانه مطالب خود را بیان کنند ما هم به حکم وجدان و برطبق عدالت رای خود را صادر کنیم - خواهش میکنم لایحه خودتان را قرائت کنید.

دکتر مصدق: تا اجازه ندهید که بگویم چرا از خود دفاع نمی‌کنم حرفی نخواهم زد. لایحه دفاعی را نخواهم خواند.

رئیس: بسیار خوب فعلاً ده دقیقه تنفس می‌دهم.

ساعت ۹ و ده دقیقه جلسه به عنوان تنفس تعطیل شد.

### تشکیل مجدد جلسه

ساعت ۹ و بیست دقیقه جلسه بعد از ده دقیقه تنفس مجدداً تشکیل شد.

رئیس: منشی دادگاه تعداد تماشاچیان و خبرنگاران را که حضور دارند شمارش کرده تعداد آنها را اعلام دارد.

در این وقت منشی شروع به شمارش کرد و گفت ۱۸ نفر خبرنگار و ۱۶ نفر تماشاچی که ۳۴ نفر می‌شوند حضور دارند.

رئیس: ۳۴ نفر خبرنگار و تماشاچی حضور دارند ضمناً توضیح مختصری برای استحضار آقایان

۶. دکتر مصدق را در دوره رضاشاه به بیرجند فرستادند. در آنجا زندانی شد و پس از مدتی زندانی به احمدآباد ملک شخصی در ساوجبلاغ کرج تبعید گردید.

متهمین در خصوص نامه‌ای که آقای دکتر مصدق به تیسار وزیر دفاع ملی عرض کرده بودند می‌دهم که عموم مردم از مفاد آن نامه آنچه مربوط به دادگاه است اطلاع حاصل کنند. قسمتی از شکایت آقای دکتر محمد مصدق این بود که در تشکیل جلسات علنی دادگاه تأخیر شده و ایشان بلا تکلیف مانده‌اند جلسه اعضای دادگاه همه روزه از روزی که لوایح اعتراضی تیسار دادستان ارتش و آقایان متهمین به دفتر دادگاه رسید از ساعت ۸ الی ۹۲ تشکیل می‌گردید و پرونده مشکله بدوی در حدود دو هزار برگ بود که همه روزه بر سر قرائت آن می‌پرداختیم و چون طرفین در بیانات خود در دادگاه بدوی به طور سربسته استناد به تعداد زیادی از مواد قانون دادرسی و کیفر ارتش و قانون دادرسی و کیفر عمومی و قانون اساسی کرده بودند مجبور بودیم به آن مواد نیز مراجعه کرده و آنها را مورد مطالعه قرار دهیم. اگر پس از چند روز قرائت پرونده رسمیت جلسه اعلام می‌شد قطعاً افکار عمومی که آقای دکتر مصدق مانند سایر افراد برای آن اهمیتی بحق قائل می‌شوند، اینطور قضاوت می‌کردند که چگونه یک پرونده دوهزار برگی را یک دادگاه در مدت چند روزی مطالعه کرده و به آن احاطه پیدا کرده‌اند. علاوه بر رعایت این اصل برای راحت بودن وجدان خود و انجام وظیفه قانونی ناچار بودیم که آن پرونده را با دقت مطالعه کنیم. به مفاد آن احاطه حاصل کنیم. سپس جلسات رسمی دادگاه را اعلام کنیم و چون این قضیه به طول انجامید آقای دکتر مصدق در نامه‌ای که در دادگاه امروز به آن اشاره کردند، بطوری که سر بسته فرمودند به دلیل متدرج در آن نامه حاضر نیستم دفاع کنم این است که لازم دانستم این موضوع را توضیح بدهم که رفع هر گونه ابهام و سوء تفاهمی بشود. در خاتمه اضافه می‌کنم و قطعاً هر آدم با انصافی تصدیق می‌کند برای خوب قضاوت کردن باید خوب فهمید باید با دقت مطالعه کرد زیرا به عقیده عموم علمای حقوق می‌گویند در قضاوت عجله نکند این است که ما هم عجله نکردیم. اینک اگر مقصریم و کسی ما را مقصر بداند ما در پیشگاه وجدان و خداوند بزرگ خود را مقصر نمی‌دانیم.

تیسار دادستان (خطاب به دادستان) آقای دکتر مصدق ضمن بیانات خود اشاره به دستبازدن به ایشان و ضمناً اظهاراتی که حکم قطعیت پیدا نکرده و در حبس مجرد به سر برده‌اند مطالبی فرموده‌اند. خواهشمند تیسار دادستان ارتش برای روشن شدن ذهن دادگاه توضیحات لازم را بیان فرمایند.

دادستان: با نهایت احترام به عرض می‌رساند تیسار آن معظم وضع دو جلسه دادرسی این دادگاه را ملاحظه فرمودید و برای اینجانب مایه یسی افتخار است که در دادگاهی انجام وظیفه می‌نمایم که دادستان آن و ریاست معظم دادگاه با نهایت صبر و حوصله در مقام شامخی که دارند وظیفه بسیار خطیر خود را انجام می‌دهند.

جریان این دو جلسه اکنون هم که امر فرمودند اینجانب توضیحاتی را به عرض برسانم بنده را وادار می‌کند که خارج از حدود نزاکت به این معنی که هیچ شخصی نباید از رویه خود تعریف نماید رویه خود را نسبت به متهمین وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد و متهم حاضر در این دادگاه یعنی آقای دکتر محمد مصدق به عرض برسانم. اینجانب در سمت دادستان ارتش و در سمت دادستانی دادگاه بدوی و دادگاه تجدیدنظر و رفتار با متهمین دو وظیفه برای خود قائل هستم یکی انجام وظیفه در دادگاه، دیگری انجام وظیفه در خارج از دادگاه نسبت به متهمین. تیساران معظم مستحضرنند که متهمین وقایع ۲۵ - ۲۸ مرداد منحصر به آقای دکتر محمد

مصداق نیستند.

رویه اینجانب در خارج از دادگاه نسبت به متهمین به نحوی بود و هست که من باب مثال جناب آقای نریمان، جناب آقای دکتر اخوی، جناب آقای لطفی که به دست من ماهها زندانی بودند پس از آزادی بکرات مرا مفتخر فرموده از رویه من اظهار تشکر کرده اند.

دور نمی‌روم دکتر حسین فاطمی را افکار عمومی محکوم می‌دانند به معض اینک احساس کردم دیدن زن و فرزند و بستگانش ممکن است در روحیه او اثر نیکویی داشته باشد مقررات بیمارستان را نادیده گرفته اجازه دادم حتی خانم و همشیره او شبها نیز در بالین او به سر برند و بکرات به او گفتم اتهامی که او دارد مطلبی است جداگانه، بیماری و کسالتش هم موضوعی است علیحده. به او گفتم وقتی به عیادت او می‌روم مانند یک دادستان بمن نگاه نکند. بهر حال آیا سرتیب آزموده با این رویه با آقای دکتر محمد مصدق بر سر مال و منال یا رقابت شغل و مقام یا جهنی از جهات خصوصی سابقه‌ای دارد که رویه خود را نسبت به ایشان تغییر دهد؟ بطور قطع خیر.

به عرض دادگاه محترم می‌رسانم از ساعتی که رأی دادگاه بدوی صادر شد تا روز ۲۷ اسفندماه گذشته آقای دکتر مصدق را ملاقات نمودم چون احساس می‌کردم شاید ملاقات با ایشان، ایشان را ناراحت کند. روز ۲۷ اسفندماه ساعت ۱۲ به من اطلاع دادند که آقای دکتر مصدق اعتصاب غذا نموده است. به سر یازخانه آمدم در اطای افسران مراقب ایشان حضور پیدا کردم پس از استفسار از افسران و چگونگی امر وارد اطای آقای شدم. عرض سلام کردم به یک باره آقای دکتر مصدق از تخت جهیدند و با صدای بلند شروع به ناسزا گفتن کردند چون به روحیات ایشان به خوبی واقفم ممکن است مرا تعقیب کنند و صدمه‌ای بمن بزنند در راسته روبروی ایشان در کنار تختشان ایستادم در حدود چند دقیقه هر چه بدو ناسزا بود این آقای محترم به من گفتند (با صدای بلند) گفتند تو مرا دیوانه کرده‌ای مرا دستبند بزن و بفرست دارالمجانین.

(در این وقت آقای دکتر مصدق سر خود را روی میز گذاشته خوابیدند)

این جریان برخورد با او بود عمل من این بود که در تمام مدتی که ناسزا می‌گفتند و آن شاهرگی که به قول خودشان تا می‌چنید باید برای خدمت به مملکت بکار ببرند آماس کرده بود و از قرط عصیانیت نختخواب ایشان نکان می‌خورد جز اینکه آقا را با نهایت خونسردی نگاه کردم کاری نکردم و نه کلمه‌ای گفتم و نه عرضی کردم و این صحنه تمام شد و آقا دراز به دراز خوابیدند و در را باز کردم سه نفر افسران مراقب را احضار کرده و جریان را پرسیدم. گفتند آقا عصیانی است اعتصاب غذا فرموده‌اند و حتی وصیت‌نامه‌ای هم نوشته‌اند شاید در حدود یک ربع ساعت یکی از افسران پیش‌بنده و آقای دکتر مصدق مترجم بود زیرا آقا دائماً فریاد می‌زدند که با این مرد من کاری ندارم. خلاصه خود را کم کم به کنار نختخواب ایشان رسانیدم و نشستم و وصیت‌نامه را سرکار سرهنگ بزرگمهر امضا کرده<sup>۷</sup> بودند و آقا می‌فرمودند یک نفر هم باید امضا کند و غیر مستقیم منظورشان این بود که من هم امضا کنم. ورقه را خواندم شروع کردم به اظهار ارادت و عرض ادب و احترام

۷. خاطره‌ای از این وصیت‌نامه ندارم - وصیت‌نامه‌های دیگری در اختیاره هست که در جای مناسبی عرضه خواهد داشت.

زاید الوصف. استدعا کردم، ائتماس کردم تا موضوع به این جا منجر شد که آقا ورقه را پاره کردند و یکی از افسران به شوخی جعبه شکلاتی که آنجا بود آوردند و آقا یک شکلات به من مرحمت کردند. دستور داده شد شیر آوردند و با نان سوخاری تناول فرمودند. مدت‌ها قسم دادم و استدعا کردم چون ایام عید است اجازه فرمایید همه روزه خانواده شما اگر مایل هستید به ملاقات شما بیایند بسیار تشکر کردند و به این نحو از خدمتشان مرخص شدم. بهترین دلیل صحت عرایض این است که آقایی که اعصاب غذا کرده بودند و اگر سرتیپ آزموده وارد محضر شما می‌شد به آن نحوی که به خلاف بیان داشتند به عصیانیتان می‌افزود چگونه دست از اعصاب برداشتنند و غذا میل فرمودند. این جریان را سرکار سرهنگ فرخ‌نیا ملاحظه فرمودند. در آن جلسه به آقا اطمینان دادم بعد از تعطیلات بعد دادرسی آغاز می‌شود. بهر حال صبح ۲۸ اسفندماه دوباره اطلاع دادند که آقا باز هم اظهار ناراحتی می‌کنند. مجدداً شرفیاب شدم فرمودند دینب تمام فکرها را کرده‌اید یا باید اجازه بدهید بیروم احمدآباد یا اعصاب غذا می‌کنم. در خلال این احوال خانم و فرزندان ایشان برای ملاقات حضور بهم رساندند که در اطاق دیگر بودند. برای اینکه خانواده‌اش را معطل نکنم عرض کردم هر تقاضایی دارید بنویسید. کتیباً شرحی نوشتند و دریافت کردم؛ فرمودند باید جواب بدهی. عرض کردم تا فردا مهلت بدهید. فردا شد که روز ۲۹ اسفند مقارن ظهر در خدمت تیمار سر لشکر زاهدی معاونت یکم وزارت دفاع ملی - تیمار وهرام معاونت ستاد ارتش - تیمار سرتیپ بختیار فرماندار نظامی تهران به خدمتشان شرفیاب شدیم با نهایت خونسردی فرمودند گله و شکایتی از کسی ندارم منظورم این است که در دادرسی تسریع شود. تیمساران به ایشان اطمینان دادند که در نیمه دوم فروردین دادرسی آغاز می‌شود. آن روز هم به این ترتیب از خدمتشان مرخص شدیم. در چند روز قبل ملاحظه شد شرحی به مقام وزارت دفاع ملی نوشته و طی آن ضرب‌الاجل قائل شدند که اگر تا شنبه ۲۱ فروردین آغاز نشود خود را خلاص خواهیم کرد. اکنون ملاحظه می‌شود که دادرسی آغاز شد. وئی باز نغمه تازه‌ای را ساز کرده‌اند. ضمن بیاناتشان در جلسه گذشته آقا اظهار داشتند روی یک منظور تقاضای تجدیدنظر کردم و آن ماده ۲۲۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش بود این ماده ناطق است به اینکه درخواست تجدیدنظر موجب توقیف حکم دادگاه بدوی خواهد بود. من تقاضای تجدیدنظر کردم فقط برای اینکه از اجرای حکم محکمه جلوگیری شود و در زندان نباشم، در جای دیگر فرمودند مقررات زندان مجرد بنحو اعلی و اشد در پاره من اجرا می‌شود. راجع به این دو مطلب به عرض ریاست معظم دادگاه می‌رساند که اولاً آقا با این بیاناتشان صریحاً اقرار فرمودند که درخواست تجدیدنظر کرده‌اند دیگر معلوم نیست آن فرمایشاتی که بروندهام باید در زمان حاضر به دیوان کشور برود چیست؟ اما راجع به ماده ۲۲۳ برای اینجانب نهایت تأسف است که شخصی که آشنا به قانون است و دکتر است در حقوق می‌باشد از ماده ۲۲۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش این معنای استنباط می‌نماید که منظور این است که هر متهمی که در دادگاه بدوی محکوم شد وقتی درخواست تجدیدنظر کرد باید او را آزاد گذارد؛ اگر چنین باشد بسیاری از متهمین هستند که در دادگاه بدوی محکوم به اعدام می‌شوند چون درخواست تجدیدنظر می‌نمایند باید در زندان را باز کرد و آزادشان کرد. این بسیار خوب است آقا خود را به عمد یا سهو تابع مقررات نمی‌دانند. آقا تصور می‌کند یک دادگاه تشکیل شده آنها دادگاه مأمور رسیدگی به وضع ایشان. در صورتی که چنین نیست برای دادستان ارتش